

سبک تفسیری صدر المتألهین



ناصر محمدی *

چکیده

بررسی سبک تفسیری، پرداختن به جنبه‌های ظاهری تفسیر است که ذوق و سلیقه مفسر در آن دخالت تام دارد. ملاصدرا سبک کلی خود را در تفسیر قرآن، ایجاز، تنبیه و تلویح و فرو رفتن در مباحث ادبی و در مقابل توجه به تأویل و باطن قرآن می‌داند. او در تعمق مباحث تفسیری، به صورت تشکیکی عمل می‌کند و در نهایت به ذکر آنچه که تابش و اشراق الهی بر اوست، می‌پردازد. میزان پایبندی صدرا به این اصول، قابل تأمل و بررسی است.

کلید واژه‌ها: سبک تفسیری، ملاصدرا، ایجاز، تشکیک.

کلیاتی درباره تفاسیر ملاصدرا

با مطالعه آثار ملاصدرا می‌توان به میزان انس و الفت بسیار او با قرآن و احادیث نبوی و روایات وارده از سوی ائمه معصومین (ع) پی برد و از فردی چون او که اهل ریاضت و عرفان و سلوک و سفرهای طولانی زیارتی بوده، به نظر می‌رسد که تمام قرآن یا بخشی گسترده از آن را از بر بوده و در حفظ داشته باشد. و همین انس عجیب صدرا با آیات قرآنی و آثار نبویّه و مآثورات از علل امتیاز او بر سایر محققان از اقطاب و اساطین حکمت است. لذا او را در حل عویصات علم اعلی و حکمت متعالیه باسط الید کرده است. ^۱ اما صرف

* دکترای علوم قرآنی و استادیار دانشگاه پیام نور.

نظر از تفسیر و تأویل آیات قرآنی که به فراوانی در آثار صدرا مشاهده می شود، حضور وسیع آیات قرآن در کلیه آثار صدرا، نشان از انواع دیگر کاربردها و استفاده های متنوع او از آیات کریمه قرآن است. به عنوان مثال:

۱. گاهی شاهد تضمین بخشی از یک آیه یا تمام آن در ضمن عبارات صدرا هستیم. وی این کار را به جهت تبرک، تفنن و زینت بخشی کلام انجام می دهد. به عنوان مثال می فرماید: و من امعن فی تحقیق هذه المسألة «أوتِي خَيْرًا كَثِيرًا» (البقرة، ۲/۲۶۹).^۲
۲. گاهی استفاده از یک آیه برای، تعریض، کنایه و تخطئه دیگران است. مثلاً می فرماید: والذین لم یدخلوا «الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (البقرة، ۲/۱۸۹) کاکثر المتکلمین یجیبون عن ذالک...^۳.
۳. گاهی از آیات قرآن برای اثبات مسأله ای فلسفی و به عنوان معاضدت و پشتیبانی کمک می گیرد.^۴

۴. گاهی از آیات برای تفهیم و اثبات معنای لغوی کلمه ای بهره می گیرد.^۵
۵. و گاهی، کاربرد آیه توسط صدرا چون کاربرد ضرب الامثال است، برای استواری و تحکیم کلام. مثلاً در پایان بحث خود، این آیه شریفه را نقل می کند که: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (المائدة، ۵/۵۴).^۶

۶. و گاهی طرح آیه به قصد ایجاد و طرح یک سؤال و مسأله عقلی است.^۷
- ملاصدرا که در بیشتر آثار حکمای مشهور و علمای معروف زمان خود جستجو و تدبر کرده بود، احساس می کند نه تشنگی اش در جستجوی کشف و یقین سیراب شده و نه آتش شوقش به شناخت حقایق دین فروکش کرده است، تا این که به تتبع در معانی قرآن و وحی نازل بر قلب رسول (ص) می پردازد و آن را غایت هر آرزو و نهایت هر شوق و طلبی می یابد. در این هنگام است که شروع می کند به استخراج ذرر اسرار قرآن. صدرا می گوید: اما چون راز کلام الهی أجل از آن است که به احاطه زبان و جمع آوری سرانگشتان دست درآید، شروع من با درخواست کمک از خدا بوده است و از او می خواهم که کتاب جامعی را جمع آوری کنم و تفسیر کبیری بنویسم که هیچ دیده ای مانندش را ندیده باشد.^۸ و به واقع ملاصدرا اولین فیلسوف مسلمان است که در آثار خود به این اندازه به قرآن و حدیث اهتمام ورزیده است و اولین فیلسوفی است که اصالتاً به عنوان یک فیلسوف مفسر، اقدام به تفسیر قرآن و حدیث کرده است. در آثار فلاسفه قبل از او؛ چون سهروردی، میرداماد، ابن سینا و فارابی، از قرآن و مضامین قرآنی بهره گرفته شده است، اما هیچ کدام به مثابه

یک فیلسوف مفسر قرآن نبوده‌اند.

صدرا در تفسیر قرآن به ترتیب گذشت دو دوره را بر خود ذکر می‌کند. ۱. دوره اخفا
۲. دوره اعلان. او بعد از وقوف بر اسرار قرآن، در ابتدا انگیزه و موجبی از جانب حق برای
إفاده و اظهار آنها و نه رغبتی به سوی تصریح و اظهار نمی‌یابد و سکوت و کتمان را بر
اعلان و اظهار، ترجیح می‌دهد. علاوه بر این که طبایع مردم در این دوره دچار قصور و
نقصان و فتنه و حسد است. او می‌گوید: و حال من به همین منوال بود تا از سوی حق
تجدید داعی برایم پیش آمد و انبساطی بسوی اعلان یافتم.^۹

به هر حال در پایان دهه چهارم، سال یکهزار هجری، بود که - بنا به نوشته ملامحسن
فیض کاشانی - از ملاصدرا درخواست شد به شیراز برگردد او در شیراز دوره جدیدی را
در زندگی خویش آغاز کرد. هم به آموزش فلسفه و تفسیر و حدیث پرداخت و هم توانست
با تمام تجربه‌هایی که اندوخته بود، دست به تألیف تفسیری بسیار بزرگ و پرمایه و بی نظیر
بزند که به سبب مرگ او ناتمام ماند. همچنین در همین دوره به شرح کتاب اصول کافی
پرداخت که آن هم ناقص مانده است. کتب تفسیر و شروح او بر اصول کافی مربوط به
دهه آخر عمر او هستند و هر دو ناتمام مانده‌اند.^{۱۰}

صدر المتألهین آگاهی از اسرار کتاب کریم خدا را از منت‌های خاص الهی برخوردار دانسته
است که تا آن زمان هیچکدام از علمای مشهور تفسیر و تأویل به آن دست نیافته‌اند.^{۱۱}
البته صدرا اعلام می‌کند، آنچه از تفسیر معانی قرآن و شرح آنها بیان می‌کند الهام و
بخشش الهی است به قدر وسع و طاقت او و به اندازه توانایی و قوت او، نه به اندازه عظمت
آن معانی و شرافت و حقیقت آنها.^{۱۲} و در خاتمه تفسیر آیه الکرسی شیوه مطالعه تفسیرش
را چنین توصیه می‌کند:

خواهان کشف حقایق تفسیر او باید حرف به حرف و کلمه به کلمه در آن تدبر کند و
نکات پراکنده آن را جمع و سابق و لاحق و وسط آن را به هم اضافه کند تا این که در ذهن او
نشأه معنوی آن نظم پیدا کند. پس در این هنگام است که اسرار بدیع و آثار غریب این
مختصر را درمی‌یابد. و از خواننده می‌خواهد نقص و خلل را اگر لفظی بود به کرم وجود
خود آن اصلاح کن و اگر از باب معانی بود، تا وقتی برهان استواری آن را رد نکرده است در
بقعه امکان ره‌ایش کند.^{۱۳}

آیات و سوره‌هایی که ملاصدرا به تفسیر آنها پرداخته است :

سوره‌هایی که به قلم شریف او تفسیر شده‌اند، عبارتند از: سوره حدید، سوره اعلی، آیه الکرسی، سوره سجده، طارق، یس، آیه نور، سوره زلزال، واقعه، جمعه، فاتحه و بقره. اما برخی تفاسیر دیگر نیز به او نسبت داده شده است که بدون شک غلط است، مثل نسخه‌ای از تفسیر سوره کافرون در کتابخانه ملک تهران و تفسیر سوره طلاق که در الذریعة به وی نسبت داده شده است. اولین سوره‌ای که صدرا اقدام به تفسیر آن می‌کند، سوره حدید است، آن‌گونه که در شرح اصول کافی به آن تصریح کرده است. سپس اقدام به تفسیر سوره‌های یس، طارق، اعلی، زلزال، سجده، آیه الکرسی، و آیه نور کرده و در نهایت پس از تفسیر سوره‌های واقعه و جمعه است که تصمیم به تألیف تفسیر جامعی برای تمام قرآن می‌کند. پس مقدمه‌ای بر این تفسیر می‌نویسد به نام مفاتیح الغیب و آنگاه از آغاز قرآن، ابتدا سوره فاتحه الكتاب را تفسیر می‌کند و سپس به تفسیر سوره بقره می‌پردازد که پایان زندگی او را مهلت نداده، و تا آیه ۶۵ را تفسیر می‌کند.^{۱۴}

سبک تفسیری ملاصدرا^{۱۵}

تفسیر قرآن کریم صدرالمتألهین، مجموعه‌ای است از تفسیر برخی آیات و سور به صورت غیرمرتب ولی گزینشی و شامل یک جزء و نیم یا یک بیستم آیات قرآن است که با تنظیم و تصحیح محمد خواجه‌ای و همراه با تعلیقات حکیم ملاعلی نوری و با مقدمه‌ای جامع از محسن بیدار در هفت جلد به چاپ رسیده است. معمولاً سبک تفسیری او در تفسیر کبیرش روش عام سایر مفسرین است. به این ترتیب که تفسیر خود را با بحث لغوی از آیه موردنظر شروع می‌کند و به معنی مفردات آیه می‌پردازد و اغلب فهرستی از آراء مختلف و حتی متناقض علمای صرف و نحو را درباره یک لغت یا یک عبارت از قرآن ارائه می‌دهد، بی آن‌که به نقض و ابرام آنها بپردازد، گاهی فراتر از این سعی می‌کند، نوعی هماهنگی میان آراء مختلف ایجاد کند و یا با تکیه بر قواعد خاصی از دستور زبان عربی برتری یکی از آن آراء را نشان بدهد. او غالباً قرائت‌های مختلف از قرآن را که بیشتر متعلق به حوزه‌های کوفی و بصری، مانند: نخعی، قتاده، حسن بصری و کسائی است نقل می‌کند.^{۱۶} مرجع او در ذکر معانی کلمات و قرائات، تفسیر مجمع البیان و بیضاوی و کشاف است و به وقت ذکر اقوال و آراء از تفسیر مجمع البیان و فخررازی و احیاناً نیشابوری

استفاده می‌کند. او سپس به نقل اسباب نزول آیات و سوره‌ها می‌پردازد. او تفسیرهای دیگران را اعم از متکلمان، فلاسفه و مفسران، خواه با آنان موافق باشد یا از آن انتقادی داشته باشد در کنار تفسیر خود از آیه یا کلمه مورد بحث نقل می‌کند. مرجع او در مباحث عقلی همان مراجع کلی در سایر کتب اوست، زیرا سیاق بحث در آنها شبیه به آن کتاب‌ها است. مفسرانی که از آنها نقل قول می‌کند، از معتزلیان: زمخشری، از شیعیان: قمی و طبرسی و از اشعریان، فخرالدین رازی است. که بویژه از تفسیر کبیر او بسیار استفاده کرده است.^{۱۷} آیت الله معرفت، بر اساس بررسی‌های به عمل آمده درباره منابع تفسیری او به این نتیجه رسیده است که: ملاصدرا منابع تفسیری فراوانی در اختیار نداشته و بیشتر از تفسیر کبیر فخر رازی استفاده کرده است و شیفته گفته‌های وی بوده است. گاه نیز از تفسیر غریب القرآن و رغائب الفرقان نظام الدین نیشابوری، مخصوصاً در بخش عرفان آنجا که بر تفسیر کبیر اضافه دارد - بهره گرفته است. از تفسیر کشاف جارالله زمخشری به ویژه در نکات ادبی و بلاغی استفاده فراوان کرده که نوعاً موارد استفاده‌اش را نام می‌برد، ولی از دو تفسیر پیشین یادی نمی‌کند. همچنین از تفسیر شریف مجمع البیان ابوعلی فضل بن الحسن طبرسی، کمال بهره را برده است، به ویژه در نقل اقوال مفسران و برخی روایات. این تفاسیر چهارگانه، تنها مراجع تفسیری بوده که مرحوم صدرالدین شیرازی در اختیار داشته است.^{۱۸} البته شاید این سخن چندان مقرون به صحت نباشد، به ویژه اگر بپذیریم که صدرا دارای حاشیه‌ای است بر تفسیر بیضاوی. گذشته از آن صدرا در اسفار^{۱۹} به صراحت از تفسیر ثعلبی نقل قول می‌کند و یا در مفاتیح الغیب^{۲۰} آن گونه از تفاسیر قشیری،^{۲۱} ثعلبی و واحدی یاد می‌کند که گویا آنها را خوانده است و معتقد است بسیاری از معانی قرآن در این تفاسیر بیان نشده است.

از آنجا که صدرالمتألهین رسائل تفسیری خود را در فاصله‌ای که کمتر از بیست سال نمی‌شود، نوشته است از نظر کیفیت و جهات مختلفند. پس برخی مختصر و موجزند و در آنها از مذهب جمهور زیاد دور نمی‌شود، مگر اندکی، مانند تفسیر سوره یس که بنایش بر اختصار و اجمال است. او در این گونه تفاسیر، بیشتر از شیوه تفسیری شیخ طوسی در تبیان و علامه طبرسی در مجمع البیان متأثر است و گاه شیوه تفسیری او چنان طولانی است که مثلاً سه جلد نخست از تفسیر او تنها به تفسیر ۶۵ آیه از سوره بقره در کنار سوره فاتحه اختصاص یافته است. او در این شیوه متأثر از تفسیر کبیر فخر رازی و مباحث طولانی او

است. نکته دیگر آن که در تفاسیر اولیه او، تفاسیری که در دوران جوانی و میان‌سالی نوشته در عین توجه به حدیث، شیوه تفسیری او بیشتر ذوقی و عرفانی است و چندان به نکات ادبی و لفظی توجه ندارد، مانند تفسیر آیه الكرسي - تألیف حدود ۱۰۲۵ق - و آیه نور - تألیف ۱۰۳۰ق - اما در تفاسیر اخیرش، وقتی که پس از استقرار در شیراز تصمیم به نوشتن تفسیری جامع و کامل از اول تا آخر قرآن می‌گیرد، بیشتر رعایت نظم تألیف و تصنیف را می‌کند و روش نخستین او در تفاسیر آیات و سوره‌ها را به روشی جامع‌تر و کامل‌تر می‌دهد، یعنی اول به بحث در لغت و ظاهر لفظ و معنا و مشتقات آن می‌پردازد و بحث‌ها را از هم تفکیک می‌کند، مثلاً در اواخر تفسیر سوره بقره فرق می‌گذارد میان بخش ادبی که در صدر بحث می‌آید با غیر آن با عنوان «المعنی» مانند: شیوه صاحب مجمع البیان. ۲۲

البته صدرا خود در خاتمه تفسیر آیه الكرسي سبک کلی‌اش را در تفسیر قرآن، تلخیص و ایجاز در کلام بیان می‌کند؛ زیرا احتجاج درباره هر معنا و مقصودی موجب درازای سخن و رنجش خاطر است و سیر افکار بریده می‌گردد بی‌آن که به انتها برسد. علاوه بر این که مخاطبین او درباره معانی قرآن به طور خاص، محققان از اهل الله هستند یا دوستداران و متشبهان به آنها و یا مومنان اهل قلوب نورانی صاف که قلبشان از صفات جدل و نزاع و مانند آنها پاک است و منتظر نفحات جود الهی اند. ۲۳

لذا مخاطب ملاصدرا - در تفسیر قرآن - یا خود فردی مطلع است و شریک در این معانی و به واسطه نوری که «يَسْمَعُ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» (الحديد، ۱۲/۵۷) آگاه است به صحت آنچه به او خبر داده می‌شود. و یا این که مؤمنی است صحیح الفطره با ایمانی صاف که مستعد کشف و آماده دریافت است. و از آنچه می‌شنود سود می‌برد. و لذا صدرا اکتفا می‌کند به تنبیه و تلویح یا اشاره و این دو روش را بر بسط و شرح و تصریح ترجیح می‌دهد. صدرا علت این ترجیح را تاسی به کلام متین خدا و پیروی از سید مرسلان بیان می‌کند؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (الکهف، ۲۹/۱۸). بدین ترتیب پیامبر را فرمان نمی‌دهد که برای هر چه می‌آورد و از آن خبر می‌دهد، معجزه اقامه کند و برهانی بیاورد و دلایل و قیاسات تحریر کند و مقدمات و حجج تقریر کند، با این که پیامبر (ص) قادر بر این کار بود، بلکه این امر را در بعضی از اوقات برای برخی از مردم در اموری نادر و اندک انجام می‌داد. ۲۴

سپس صدرا به عنوان تأکید آن را شیوه حکمای اوایل نیز بیان می‌کند، آنها که انوار

علوم خود را از مشکات نبوت اخذ کرده‌اند. پس اگر چیزی از علوم ربانی برای آنها روشن می‌شد، اگر مصلحت اقتضا می‌کرد از آن برای طلبه خود می‌گفتند، ابتدا به زبان خطابه و اگر لازم می‌آمد برای آنها براهین و حجج نیز اقامه می‌کردند.^{۲۵}

بنابراین شاید بتوان آنچه را که در مقدمه مفاتیح الغیب و تفسیر سوره‌های بقره و حدید آورده است به عنوان شمه‌ای از سبک بیانی و اصول تفسیری او به این ترتیب شماره کرد:

الف: اصول کلی: ۱. پایبندی به قوانین و مقررات حکمت و براهین و دلایل عقلی. ۲. مراعات اوضاع و نهادهای مختلف. پس در مقامی به صورت رمز و راز و در مرتبه‌ای در مقام افشا و اظهار است. ۳. خودداری از فرورفتن در آنچه که تعلق به ظاهر تفسیر و ریزه‌کاری‌های ادب عربی دارد مگر به مقدار کمی که بستگی به آن دارد. ۴. بیان حقایق تأویل و گذاردن ظاهر و حدّ قرآن برای دیگران و باطن و مطلع آن برای خود. در نتیجه آنچه از تأویل قرآن که در توان اوست بیان می‌کند، به گونه‌ای که چیزی ناگفتنی باقی نمی‌ماند. ۲۶

ب: ترتیب مباحث تفسیری، استدلالی، عقلی و عرفانی به درجات تشکیکی: ۱. ذکر لبّ و چکیده تفاسیر مختلف درباره معانی آیات. ۲. تلخیص کلام مفسرین درباره الفاظ و مبانی آیات. ۳. ذکر آنچه ارباب افکار و اصحاب نظر گرفته‌اند. ۴. به دنبال آن ذکر آنچه طریقه اهل حکمت و تحقیق است. ۵. به دنبال آنها ذکر لطایفی به اقتضای حال و مقام. ۶. در انتها ایراد پاره‌ای از اشعه نور عالم تجرید و قطره‌ای از دریا‌های عالم تأیید و آوردن فوایدی شریف که حاصل فضل و انعام الهی است. ۲۷

صدرا در تفسیر قرآن نقطه نظر اصلی و تأویلات فلسفی و عرفانی مورد نظرش را که مباحثی بدیع به شمار می‌آیند، نوعاً در تفسیر آیات در تحت عنوان «مکاشفه» بیان می‌کند. اما آنچه تحت عنوان «وجه آخر» و یا در میان عبارات با جمله «یحتمل» آغاز می‌کند، سایر تأویلات و تفاسیری است که از نظر صدرا می‌توانند محتمل بوده یا وجه و محمل صحیحی داشته باشند، اگر چه دلیل قاطعی برای اثبات آنها ندارد. ۲۸

به ندرت اتفاق می‌افتد که به ذکر معنای ظاهری و تحت اللفظی آیه‌ای اکتفاء کند و از هر گونه تأویل و یا حتی تفسیری امتناع بورزد.

و اکنون به اختصار برخی از مشخصات تفاسیر ملا صدرا و سوره‌هایی که تفسیر کرده است را بیان می‌کنیم: ۲۹

۱. «تفسیر سوره حدید، مشتمل بر یک مقدمه، بیست و نه فصل با عنوان «مکاشفه»

و یک خاتمه و نتیجه گیری است». این خاتمه مشتمل بر ۲۹ نکته است که چکیده مطالب سوره می باشد.

۲. «تفسیر آیه الکرسی یکی از طولانی ترین و مهمترین تفاسیر او و مشتمل بر یک مقدمه و بیست فصل است». فصول این تفاسیر با عنوان «مقاله» مشخص شده و تا «المقالة العشرین» پایان می یابند. عناوین فرعی در هر فصل، متفاوت از سایر فصول است، عناوینی مانند «المنظر الاول تا المنظر الخامس» در مقاله بیستم یا تا «البصيرة الثامنة» در مقاله نوزدهم و یا تا مطلع ششم در مقاله هیجدهم و...

۳. «تفسیر آیه نور مشتمل بر یک مقدمه و یک پیش گفتار، ۵ فصل و یک خاتمه و نتیجه گیری است. این اثر به یک معنا، تلفیق و اوج سنت طولانی تفاسیری است که بر این آیه نوشته شده و یکی از مهمترین آثار مابعدالطبیعة اسلامی است». عناوین فصول با همان عنوان «فصل» می باشد اما عناوین فرعی که همه اصطلاحات عرفانی و اشراقی می باشند، متنوع و متعدد می باشند. عناوینی مانند: «حکمة عرشیه، لمعة اشراقیه، کشف استناری و...»

۴. «تفسیر سوره سجده، مشتمل بر یک مقدمه و یک پیش گفتار، ۹ فصل و یک خاتمه و نتیجه گیری». فصل بندی مضبوط و مشخصی در تفسیر این سوره دیده نمی شود و عناوین اصلی و فرعی قابل تشخیص نیست و لذا ملاک دکتر نصر در تعیین ۹ فصل برای تفسیر این سوره معلوم نشد.

۵. «تفسیر سوره حمد یا فاتحه، مشتمل بر پنج فصل که در این تفسیر، معانی مختلف - بسم الله الرحمن الرحيم - عبارتی که در ابتدای سوره های قرآن می آید - مورد بحث قرار گرفته است». استاد آشتیانی تفسیر فاتحه الكتاب آخوند ملاصدرا را اثری بی نظیر می داند و آن را نمایش قدرت تفسیری و عرفانی او به شمار می آورد. ۳۰ تفسیر این سوره دارای یک مقدمه می باشد، اما فاقد خاتمه است. صدرا عناوین مشخص و معینی برای فصل های عمده این سوره تعیین نکرده است و لذا تشخیص عناوین اصلی و فرعی مشکل است.

۶. «تفسیر سوره بقره که تنها تا آیه ۶۶ کامل شده است». این تفسیر دارای یک مقدمه است و عناوین بیشتر بخش های این تفسیر با عنوان «فصل» مشخص شده است.

۷. «تفسیر سوره یس، مشتمل بر هشت اصل برای اثبات معاد جسمانی که در شانزده فصل آمده اند». این تفسیر دارای مقدمه و خاتمه نیز می باشد. شیوه تفسیری صدرا در این سوره اختصار و اجمال بیشتر است.

۸. «تفسیر سوره جمعه، مشتمل بر یک مقدمه، دوازده فصل با عنوان «مطلع» اظهاراتی عرفانی و یک خاتمه و نتیجه گیری است». عناوین فرعی فصول با عنوان «اشراق» مشخص شده اند.

۹. «تفسیر سوره واقعه، مشتمل بر مقدمه و فاقد خاتمه است». در این تفسیر هیچ گونه فصل بندی و عناوین اصلی و فرعی دیده نمی شود.

۱۰. «تفسیر سوره طارق، مشتمل بر مقدمه و متنی که وی در آن اظهار می دارد که اسرار نهانی عظیمی در این سوره وجود دارد که خداوند آنها را بر وی مکشوف ساخته است». دارای یک خاتمه بسیار کوتاه است. عناوین فصول ندارد؛ اما نکات موجود در سوره با عناوین چندی مانند فصل یا «لمعة اشراقية یا هداية عقلية» مشخص شده اند.

۱۱. «تفسیر سوره اعلیٰ با یک مقدمه و ۷ فصل با عنوان «تسیح» و فاقد خاتمه و هر گونه عناوین فرعی است.

۱۲. «تفسیر سوره زلزال با یک مقدمه و متن». این تفسیر، فاقد خاتمه و فصل بندی است. اما نکات موجود در سوره با عناوین مختلفی از قبیل تنبیه، حجة کلامیة، اشاره نوریة و غیره آمده است.

۱۳. و نیز حاشیه بر تفسیر بیضاوی که از جمله آثار تفسیری منسوب به صدرا است. ۳۱ «تفسیر بیضاوی با نام «انوار التنزیل و اسرار التأویل» متعلق است به قاضی سعید بیضاوی (۶۸۵م). حاشیه صدرا بر این تفسیر یک جلد و به زبان عربی است که به شیوه فلسفی و عرفانی آن را شرح کرده و نسخه ای از آن از مخطوطات کتابخانه خدیویه مصر است» ۳۲ تفسیر بیضاوی از بهترین متون تفسیری اهل سنت است که شرح و حاشیه های بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی بر آن نوشته اند. متن این کتاب تخلیصی از تفسیر کشاف است با حذف زوائد و روایات اسرائیلی آن.

اما ذکر این نکته لازم است که کلیه آثار فلسفی صدرا نیز عرصه تفسیر و تأویل آیات کریمه قرآن است و برای بررسی و تحقیق تفاسیر صدرا المتألهین نباید تنها به آثار قرآنی و روایی محض او اکتفا کرد؛ چرا که در این صورت از بخش عظیمی از تفاسیر پراکنده وی که در میان آثار گسترده فلسفی او قرار گرفته اند، محروم خواهیم شد.

۱. سه رساله فلسفی ملاصدرا «تصحیح آشتیانی» ۲۷/ .
۲. الأسفار الأربعة، ۳۳۱/۳ .
۳. الشواهد الربوبية «تصحیح محقق داماد»، شاهد اول/ اشراق پنجم/ ۳۲۳ .
۴. الأسفار الأربعة، ۲۷۳/۳-۲۷۴ و ۴۰؛ و ۳۵۴/۸-۳۵۵ .
۵. همان، ۴/۵۰۸ و ۵۱۹ .
۶. همان، ۸/۱۸۹ .
۷. همان/ ۳۸۸ .
۸. تفسیر القرآن الکریم «ملاصدرا»، ۶/ ۵-۶ .
۹. همان، ۴/۱۰-۱۱ .
۱۰. سیر حکمت در ایران و جهان «سید محمد خامنه‌ای» می‌رود لطایف الاشارات می‌باشد .
۱۱. تفسیر القرآن الکریم «ملاصدرا»، ۱۰/۴ .
۱۲. همان/ ۲۱ .
۱۳. همان/ ۳۳۶ .
۱۴. ر. ک: تفسیر القرآن الکریم «مقدمه بیدارفر»، ۲۱/۱-۱۱۸ .
۱۵. مراد از سبک تفسیری، نحوه بیان و تنظیم مطالب است که به دو عامل بستگی دارد؛ یکی شرایط مخاطب، مثلاً تفسیری که برای نوجوانان نوشته می‌شود باید ساده و جذاب باشد و دیگری ذوق و سلیقه شخصی است. سبک‌های کلی در تفسیر عبارتند از سبک منظوم، مثنوی، مزجی، مختصر، مفصل، ترتیبی و موضوعی. اما به حسب ذوق و سلیقه شخصی مفسر سبک‌های جزئی دیگری را هم می‌توان یافت که به تعداد مفسران متفاوت است. «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۱۳۸۱/۷۲-۱۳۹/ص ۱۳۹» .
۱۶. به عنوان مثال: تفسیر القرآن الکریم، ۳/۴۲۶؛ و ۲۱/۴-۳۴ به تفصیل به مباحث تجوید، زبان شناسی و اشتقاق پرداخته است .
۱۷. ر. ک: تفسیر القرآن الکریم «مقدمه بیدارفر»، ۲/۱-۱۱۲ .
۱۸. تفسیر و مفسران، ۲/۴۴۱ .
۱۹. الاسفار الأربعة، ۵/۳۲۶ .
۲۰. مفاتیح الغیب «با مقدمه حبیبی»، مفتاح سوم/مشهد هشتم/ ۲۳۴ .
۲۱. ابوالقاسم بن عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری معروف به قشیری، متوفای ۴۴۸ق از مشایخ صوفیه زمان خود بوده است. نام تفسیر او که از تفاسیر عرفانی به شمار می‌رود لطایف الاشارات می‌باشد .
۲۲. ر. ک: تفسیر القرآن الکریم، ۱/۱۲۲؛ بررسی مکتب تفسیری صدرالمتهلین «نصیری» /گلستان قرآن/۱۳۸۴/ش ۱۳/۲۱۰ .
۲۳. تفسیر القرآن الکریم، ۴/۳۸-۳۹ .
۲۴. همان/ ۳۳۹ .
۲۵. همان/ ۳۴۰ .
۲۶. مفاتیح الغیب «ملاصدرا»/مقدمه/ ۹ .
۲۷. تفسیر القرآن الکریم، ۲/۲۱۷؛ و ۶/۱۴۱-۲۰۶ .
۲۸. به عنوان مثال: تفسیر القرآن الکریم، ۷/۳۵ .
۲۹. در تهیه مشخصات این تفاسیر از مطالب دکتر سید حسین نصر که در داخل گیومه قرار دارند، استفاده شده است. با استفاده از کتاب: صدرالمتهلین شیرازی و حکمت متعالیه «ترجمه سوزنجی»/ ۷/۲۰۶ .
۳۰. سه رساله فلسفی ملاصدرا «تصحیح آشتیانی»/ ۶-۳۵ .
۳۱. سنت عقلانی اسلامی در ایران «نصر» ترجمه دهقانی/ ۵/۴۰۵ .
۳۲. تفسیر و تفاسیر شیعه «شهیدی صالحی»/ ۱۹/۲۱ .